رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۳، شماره پیاپی ۷۲، خرداد ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(3), 2022

رابطه ظرفیت تأملی والدین و بد تنظیمی هیجانی نوجوانان: نقش میانجی توانایی ذهنی سازی

The relationship between parental reflective functioning and emotional dysregulation of adolescent: The mediating role of mentalization ability

سیده سمیه اسدی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
عباس بخشی پور رودسری (نویسنده مسئول)
استاد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
سالومه ابطحی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
شهناز عقیق
دانشجو کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
هانیه پاکروان
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی توانایی ذهنی سازی در رابطه بین ظرفیت تأملی والدین با بد تنظیمی هیجانی نوجوانان انجام گردید. طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر بودند که در طیف سنی ۱۱ تا ۱۷ سال قرار داشتند و در سال تحصیلی ۱۴۰۰- ۱۳۹۹ مشغول به تحصیل در مناطق یک و دو شهرستان زنجان بودند. ۲۰۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس برای این پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ذهنی سازی (RFQ) (ها و همکاران، ۲۰۱۳) و دشواری تنظیم هیجان- (DERS) (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. شاخص‌های برازش نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده بود. ظرفیت تأملی والدین (هم مادر و هم پدر) به صورت غیرمستقیم و از طریق توانایی ذهنی سازی توانستند بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان را پیش‌بینی کنند (p‹۰/۰۰۱). از یافته های فوق می‌توان نتیجه گرفت که ظرفیت تأملی والدین و توانایی ذهنی سازی در کنار هم می‌توانند نقش زیادی در پیش- بینی بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان داشته باشند و لزوم توجه به این عوامل در برنامه‌های ارتقا تنظیم هیجانی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *بد تنظیمی هیجانی، ظرفیت تأملی والدین، ذهنی سازی*

Seyedeh Somayeh Asadi
Master of Clinical Psychology of Children and Adolescents, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Abbas Bakhshipour Roudsari*
Professor of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. *abbas_bakhshipour@yahoo.com*
Salome Abtahi
Master of Clinical Psychology of Children and Adolescents, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
Shahnaz Aghigh
Master student of General Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran.
Hanie Pakravan
Master of Clinical Psychology of Children and Adolescents, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of mentalization ability in the relationship between parental reflective functioning and adolescent emotional dysregulation. The design of the present study was descriptive-correlational. The statistical population of this study was male and female students who were in the age range of 11 to 17 years, who in 2020-2021 were studying in regions one and two of Zanjan City. 200 people were selected using available sampling for this study. The research instruments included the Reflective Function Questionnaire (RFQ) (Ha & et al., 2013) and Difficulties in Emotion Regulation Scale- (DERS) (Gratz & Roemer, 2004). Data were analyzed using the Pearson correlation test and path analysis. Fit indicators showed an excellent fit of the data with the modified model. Parental reflective functioning (both mother and father) was indirectly able to predict emotional dysregulation in adolescents through the ability to mentalize (p<0.001). From the results, it can be concluded that Parental reflective functioning and the ability to mentalize together can play a major role in predicting emotional dysregulation in adolescents and it is necessary to pay attention to these factors in emotional regulation promotion programs.

Keywords: *emotional dysregulation, Parental reflective functioning, mentalization*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : آذر ۱۴۰۰** | **پذیرش: بهمن ۱۴۰۰** | **ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

مقدمه

دوران نوجوانی یکی از مراحل بحرانی در زندگی هر فرد است که عبور موفق از آن بر سلامت روان و شخصیت فرد در دوران بزرگسالی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (کیجسرس و وان روکل[۱]، ۲۰۱۸). هر چه خانواده آگاهی و درک بهتری از این دوره و چالش‌های آن داشته باشند، بهتر می‌تواند بستر مناسب را برای شکل‌گیری شخصیتی قوی و سازنده در نوجوان خود فراهم کند (ویکل و هوگلند[۲]، ۲۰۲۰). یکی از موضوعات مهم در خصوص نوجوانان، کنترل و تنظیم هیجانات[۳] آن‌هاست؛ چراکه این مورد، ارتباط مهمی با مشکلات، تصمیمات، نوع ارتباطشان با دیگران و همچنین با سلامت روان‌شناختی‌شان دارد (یانگ و همکاران[۴]، ۲۰۱۹)؛ بنابراین با توجه به این موضوع می‌توان از بروز بسیاری از مشکلات در نوجوان، برای مثال افت تحصیلی، جلوگیری کرد (هارلی[۵] و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین مشکل گرایش به مواد مخدر، ارتباط گرفتن نادرست و نامناسب با هم‌سن‌وسالان، پرخاشگری و... هم از دیگر مشکلات مربوط به این سنین است (پالمر[۶] و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین داشتن توانایی و مهارت در تنظیم هیجان می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در مقابل گسترش اختلالات در نوجوانان باشد (هاتکویچ،[۷] و همکاران، ۲۰۱۹) و عدم تنظیم هیجانات خود عاملی برای به وجود آمدن مشکلات متعدد خواهد بود (بوچین و سیچتی[۸]، ۲۰۱۹؛ تکجو[۹] و همکاران، ۲۰۱۸).

بد تنظیم هیجانی[۱۰]، عدم توانایی برای پاسخ دادن منعطف به هیجان‌ها و کنترل مدیریت آن‌ها تعریف شده است (تامپسون[۱۱]، ۲۰۱۹). بد تنظیم هیجانی را می‌توان یا به صورت شکست در تغییر یک پاسخ هیجانی به طریقی مطلوب تعریف نمود و یا تحت عنوان استفاده از راهبردها به طریقی که اثرات زیان‌آور طولانی‌مدت در بر داشته باشد (شیبایی و همکاران، ۱۳۹۹). بی‌نظمی هیجانی می‌تواند همچنین مشتمل بر استفاده از راهبردهای ناسازگارانه یا نقصان و دشواری در مکانیسم‌های استفاده از راهبردهای اثربخش باشد (چاپمن[۱۲]، ۲۰۱۹). گراتز و روئمر[۱۳] (۲۰۰۴) دشواری در تنظیم هیجان را با مؤلفه‌هایی چون عدم پذیرش هیجان‌ها، ناتوانی در به‌کارگیری رفتارهای متناسب با هدف، مشکل در کنترل تکانه، عدم آگاهی هیجانی، دسترسی کم به راهبردهای تنظیم هیجانی، نبود شفافیت هیجانی همراه می‌دانند.

یکی از متغیرهایی که می‌تواند با بد تنظیمی هیجانی در ارتباط باشد، ظرفیت تأملی والدین[۱۴] است. ظرفیت تأملی یا ذهنی سازی یک نمود آشکار از روایت ظرفیت ذهنی سازی فرد است (لیتون[۱۵] و همکاران، ۲۰۱۷). ذهنی سازی به عنوان ظرفیت درک رفتار خود و رفتار دیگران از طریق درک حالت‌های ذهنی زیربنایی و قصدها معرفی شده است و همچنین به عنوان یک ظرفیت انسانی که برای تنظیم هیجان ضروری است و روابط اجتماعی را ایجاد می‌نماید، ارائه می‌شود (شولتیس[۱۶] و همکاران ۲۰۱۹). این فرآیند که به‌وسیله آن تجربیات درونی، احساسات و باورها به ذهن متبادر می‌شود، منجر به تحول ساختارهایی می‌شود که برای تنظیم خود و احساسات و هیجانات حیاتی هستند (اسلید[۱۷]، ۲۰۰۵). در واقع ظرفیت تأملی والدین، کنجکاوی در مورد حالات ذهنی، تلاش برای درک حالات ذهنی و چگونگی ارتباط آن‌ها با رفتار و نپذیرفتن حالات ذهنی و تأثیر آن‌ها بر رفتار را بررسی می‌کند و والدینی را که قادر به تشخیص وضوح وضعیت و حالات روانی

1 Keijsers & van Roekel
2 Wikle & Hoagland
3 emotional regulation
4 Young
5 Harley
6 Palmer
7 Hatkevich
8 Beauchaine & Cicchetti
9 Takjoo
10 emotional dysregulation
11 Thompson
12 Chapman
13 Gratz & Roemer
14 parental reflective functioning
15 Luyten
16 Schultheis
17 Slade

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

خود و یا فرزندانشان نیستند ارزیابی می‌کند که این افراد در هنگام برقراری ارتباط در درونشان چه فرایندی رخ می‌دهد (پازاگلی[1] و همکاران، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر متغیر دیگری که با بد تنظیمی هیجانی در ارتباط است، توانایی ذهنی سازی[2] نوجوانان است (بشرپور و عینی، ۱۳۹۹؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۷). ذهنی سازی، قابلیت و ظرفیتی برای درک کردن موقعیت‌ها و خواسته‌های ذهنی -آشکار و نا آشکار- خود فرد یا اطرافیان او است که با خودتنظیمی و چگونگی روابط حاصل از آن، در ارتباط است (پیترز[3]، ۲۰۲۱). ذهنی سازی اشاره به توانایی افراد در درک کردن خود و دیگران است که چگونه توسط حالات درونی مثل احساس، امیال، آرزوها، اهداف و نگرش‌ها انگیزه‌مند می‌شوند (کاروالیو[4] و همکاران، ۲۰۲۰).

بر اساس پژوهش انجام شده بر رابطه‌ی بین ابعاد دلبستگی و تئوری ذهن، بعد اضطرابی دلبستگی به مادر، با دقت پایین در ذهن‌خوانی همراه بود (هونفلدت[5] و همکاران، ۲۰۱۳). نظریه‌ی دلبستگی یک رابطه‌ی علی دوطرفه بین دلبستگی و توانایی‌ها و پردازش‌های شناختی را فراهم می‌کند. یکی از توانایی‌های شناختی که به نظر می‌رسد مربوط به دلبستگی در این رابطه باشد، «نظریه‌ی ذهن[6]» است. نظریه‌ی ذهن به توانایی فرد در نسبت دادن حالات ذهنی به خودش و دیگران اشاره می‌کند. نظریه‌ی ذهن به وضوح در یکی از فعالیت‌های نیمه هشیار ذهنی به نام «ذهنی سازی» وجود دارد (هونفلدت و همکاران، ۲۰۱۳). دو فرضیه مبنای نظریه ذهنی سازی را تشکیل می‌دهند. آنجا که بر تعامل اولیه بین مراقب و کودک متمرکز است و به بررسی تعامل جنبه‌های تنظیم هیجان در رابطه آغازین می‌پردازد، به نظریه بازخورد اجتماعی مربوط است که اشاره به سیستم پیچیده‌ای از رابطه زیستی روانی اجتماعی است؛ که در آن کودکان به گونه غریزی به واسطه رفتارها و حالاتشان، تغییرات اثرگذار و پویایی را منتقل می‌کنند و مادر به طور آشکاری به آن‌ها به واسطه بازتاب دادن به وضعیت هیجانی کودک پاسخ می‌دهد (تامز[7]، ۲۰۱۱). فرضیه دومی که نظریه ذهنی سازی را تبیین می‌کند، نظریه تحول واقعیت ذهنی است که کودکان و نوجوانان برای ابراز واقعیت ذهنی از آن استفاده می‌کنند (ستراوسن[8]، ۲۰۱۰).

رویکرد ذهنی سازی اگرچه از همان آغاز کودکی باید محل توجه باشد ولی در نوجوانی است که اهمیت اصلی آن آشکار می‌گردد چون بیشتر مشکلات هیجانی در نوجوانی بروز می‌کنند (بک[9] و همکاران، ۲۰۲۰). مشکلات ذهنی سازی، خودش را به وضوح در رفتارها نشان می‌دهد، به‌ویژه در دلبستگی نوجوانان بروز می‌یابد (چرنیاک[10] و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها در این زمینه گویای این مسئله است که فقدان ظرفیت ذهنی سازی که نقش مهمی در درک حالات ذهنی خود و دیگران دارد می‌تواند در بروز انواع اختلالات روان‌پزشکی، به‌ویژه اختلال شخصیت مرزی، شخصیت ضداجتماعی، اختلالات خوردن و افسردگی نقش مهمی بازی می‌کند (عینی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ از آنجا که نوجوانی، دوران بحران بلوغ را به همراه دارد و هیجان‌ها غلبه بیشتری بر شناخت دارند و کنترل زیادتری نشان می‌دهند، لذا راهبردهای تنظیم شناختی هیجان‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و به عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر توسعه اختلالات بالینی به‌ویژه اختلالات درونی سازی و برونی‌سازی می‌باشند؛ بنابراین بررسی همبستگی‌ها و پیش‌بینی کننده‌های استراتژی‌های تنظیم هیجان به عنوان هدفی برای مداخلات پیشگیرانه و درمانی مسئله بسیار مهمی است و همچنین بررسی روابط غیرمستقیم این متغیرها در کنار هم و همچنین نقش واسطه‌ای متغیر ذهنی سازی می‌تواند به شناخت هر چه بیشتر هیجان در نوجوانان کمک کند و بنابراین خلأ مدلی برای شناخت تنظیم هیجانات در نوجوانان احساس شد و با توجه به اهمیت امنیت دلبستگی و ذهنی سازی و نقش مهم آن‌ها در سلامت روانی و کاربرد رو به افزایش آن در تحقیقات و حوزه‌های درمانی، پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه ظرفیت تأملی والدین و بد تنظیمی هیجانی نوجوانان با در نظر گرفتن نقش میانجی توانایی ذهنی سازی آنان در مناطق یک و دو شهرستان زنجان انجام شد.

روش

1 Pazzagli
2 mentalization ability
3 Peters
4 Carvalho
5 Hünefeldt
6 theory of mind
7 Thoms
8 Strawson
9 Beck
10 Cherniak

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی و به روش تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دختر و پسر بودند که در طیف سنی ۱۱ تا ۱۷ سال قرار داشتند و در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مشغول به تحصیل در مناطق یک و دو شهرستان زنجان بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به عنوان نمونه انتخاب شد. ملاک‌های ورودی به پژوهش عبارت بودند از: ۱- نوجوانان ۱۱ تا ۱۷ سال، ۲- پدر و مادر آن‌ها در قید حیات باشند، ۳- فرزند طلاق نباشند و ۴- مشغول به تحصیل باشند. ملاک‌های خروجی از پژوهش عبارت بودند از: ۱- عدم تمایل به ادامه مشارکت در پژوهش ۲- پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص.

در این پژوهش از هر منطقه به‌صورت تصادفی ۴ مدرسه پسرانه و ۴ مدرسه دخترانه انتخاب گردید. شیوه‌ی اجرای پژوهش بدین صورت انجام گرفت که در ابتدا معرفی‌نامه‌ای از دانشگاه جهت رسمی بودن کار تحقیق به آموزش‌وپرورش اداره کل استان زنجان ارائه شد و سپس بعد از طی کردن مراحل اداری بابت کسب مجوز جهت انجام پژوهش و ارائه آن به مناطق یک و دو آموزش‌وپرورش شهر زنجان، با همکاری هر منطقه جمعاً هشت مدرسه‌ی دولتی و پسرانه به‌صورت تصادفی انتخاب شد و سپس به‌صورت حضوری جلسه‌ای با مدیران مدارس ترتیب داده شد که توضیحات لازم در ارتباط با اهداف پژوهش و سؤالات پرسشنامه و نحوه‌ی پاسخ‌دهی و توزیع پرسشنامه‌ها داده شد. از آنجاکه این پژوهش در زمانی انجام شد که به دلیل شیوع ویروس کووید-۱۹ تمامی مدارس به‌صورت غیرحضوری برگزار می‌شدند، درنتیجه پرسشنامه‌ها از طریق مدیران مدارس در کانال‌ها و برنامه‌های مجازی (واتس آپ، تلگرام و آیگپ) مرتبط با مدارس بارگذاری شد و دانش‌آموزان به‌صورت مجازی پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. همچنین کلیه اطلاعات انفرادی هر یک از شرکت‌کنندگان به‌صورت محرمانه بود. برای شرکت‌کنندگان، امکان انصراف از تحقیق و یا عدم مشارکت برای هر یک از آنان در طول اجرای تحقیق وجود داشت. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای $AMOS_{24}$ و $SPSS_{24}$ استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه ذهنی سازی (RFQ)[1]: این پرسشنامه توسط ها و همکاران در سال ۲۰۱۳ ساخته شد که ابزار خود گزارش دهی است و از ۸ گویه تشکیل شده است و ابزاری است برای دستیابی به چگونگی کارکرد تأملی؛ و دارای دو بعد است: حالات ذهنی قطعیت و عدم قطعیت. آزمودنی‌ها در یک طیف لیکرتی هفت مقیاسی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۶) به سؤالات پاسخ می‌دهند. نمرات هر دو زیر مقیاس از طریق کدگذاری مجدد ۶ آیتم، محاسبه می‌شوند. برای محاسبه حالات یقینی ذهنی است و آن چنانکه توافق متوسط، منعکس می‌کند مرتبه‌ای از سازگاری را؛ و توافق کم منعکس می‌کند قطعیت زیاد درباره حالات ذهنی؛ که به‌عنوان فرا ذهنی سازی یا هایپر منتالایزینگ شناخته شده است. برای دستیابی به نمره فقره هفتم به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. فوناگی و همکاران (۲۰۱۶) ثبات درونی برای مؤلفه اطمینان و عدم اطمینان را به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ در نمونه غیر بالینی گزارش کردند. پایایی آزمون را با روش آزمون - باز آزمون با فاصله سه هفته ۰/۸۵ برای عدم اطمینان و ۰/۷۴ برای مؤلفه اطمینان به دست آوردند. روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روایی محتوایی (CVR=۰/۷۴) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود. پایایی رضایت‌بخش و اعتبار محتوایی خوب برای هر دو مقیاس در مطالعات مختلف گزارش شده است (پنر[2] و همکاران، ۲۰۱۹). در پژوهش سید موسوی و همکاران (۲۰۲۱) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۶۲ شد و روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روایی محتوایی (CVR=۰/۶۲) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود. همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر برای سنجش میزان ذهنی سازی نوجوانان و ظرفیت تاملی والدین از این پرسشنامه (RFQ) به صورت مشترک استفاده شده است.

مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS)[3]: این پرسشنامه‌ی ابزار سنجش ۳۶ آیتمی خود گزارش دهی است که برای ارزیابی دشواری در تنظیم هیجانی از لحاظ بالینی تدوین شده است و توسط گرتز و روئمر، در سال ۲۰۰۴ ساخته شد. به منظور ارزیابی دشواری در تنظیم هیجانات ظرف دوران آشفتگی (هنگامی که راهبردهای تنظیم هیجانی لازم و ضروری است)، گستره پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت تقریباً هرگز (۱) تا تقریباً همیشه (۵) قرار می‌گیرد. این پرسشنامه دارای ۶ بعد یا مؤلفه است: عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی و عدم وضوح هیجانی

1 Reflective Function Questionnaire (RFQ)
2 Penner
3 Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

است. نمرات بالاتر به معنای دشواری بیشتر در تنظیم هیجانی می‌باشند. مقیاس دارای یک نمره کلی از جمع نمرات کلیه سؤالات و همچنین ۶ نمره مربوط به زیر مقیاس‌ها است که کمترین نمره ۳۶ و بیشترین نمره ۱۸۰ است. سؤالات ۱، ۲، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نتایج حاکی از آن است که این مقیاس از همسانی درونی (آلفای کرونباخ) بالایی، ۰/۹۳ برخوردار است (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴). هر شش زیر مقیاس این پرسشنامه، آلفای کرونباخ بالایی ۰/۸۰ دارند (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴). روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روایی محتوایی (CVR=۰/۶۸) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود (جیرومینی و همکاران، ۲۰۱۲). بر اساس داده‌های حاصل از نیری، نورانی پور و نوابی نژاد (۱۴۰۰) میزان آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۱ برآورد شد. همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

یافته ها

۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) در این پژوهش مشارکت داشتند که میانگین سنی آن‌ها ۱۵ و انحراف استاندارد آن ۲/۲۱ سال بود. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد، کجی و چولگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش با بد تنظیمی هیجانی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش با بد تنظیمی هیجانی

	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴
۱	ظرفیت تأملی مادر	۰/۵۹	۱/۱۰	-۰/۱۷	۰/۳۷	-			
۲	ظرفیت تأملی پدر	۱/۰۶	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۰۶	**۰/۳۳	-		
۳	توانایی ذهنی سازی نوجوان	۰/۲۶	۱/۲۳	۰/۳۴	-۰/۲۱	**۰/۴۶	**۰/۳۴	-	
۴	بد تنظیمی هیجانی	۵۰/۸۹	۱۷/۳۲	۰/۷۲	۰/۲۲	**-۰/۲۴	**-۰/۱۸	**-۰/۵۹	-

برای بررسی نرمال بودن متغیرها یک معیار کلی چنانچه کجی و کشیدگی در بازه (۲، ۲-) باشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند (سهرابی و همکاران، ۲۰۱۹). بر اساس داده‌های جدول ۱ مشخص می‌شود که شاخص کجی و کشیدگی هیچ یک از متغیرها خارج از بازه (۲، ۲-) نیست و بنابراین می‌توان آن‌ها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد ظرفیت تأملی مادر و پدر و همچنین توانایی ذهنی سازی رابطه منفی معناداری با بد تنظیمی هیجانی داشتند.

قبل از انجام تحلیل مسیر، نرمال بودن متغیر ملاک (بد تنظیمی هیجانی)، استقلال خطاها و هم خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف با (آماره ۰/۷۴ و p>۰/۰۵) نشان از نرمال بودن متغیر بد تنظیمی هیجانی است. طبق آماره دوربین واتسون که محدوده قابل قبول آن ۱/۵ تا ۲/۵ است (مامشریفی و همکاران، ۱۴۰۰)، در تحقیق حاضر میزان آن برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی بد تنظیمی هیجانی (۱/۹۶)، حاکی از استقلال خطاها است. یکی از شروط دیگر صحت رگرسیون خطی، عدم هم خطی متغیرهای پیش‌بین است و معیار سنجش این شرط، عامل تورم واریانس است. چنانچه این عامل عددی کمتر از ۱۰ داشته باشد عدم هم خطی متغیرها تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ است و عدم هم خطی تأیید می‌شود.

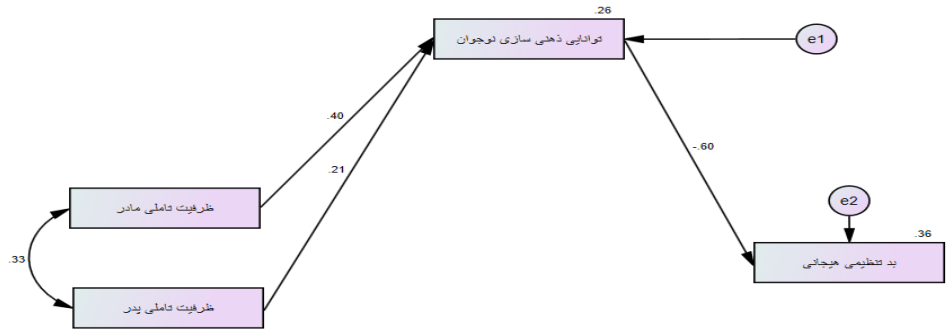

شکل ۱. مدل اصلاح شده رابطه ظرفیت تأملی والدین و بد تنظیمی هیجانی با نقش میانجی توانایی ذهنی سازی نوجوانان

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند (p>۰/۰۰۱) اصلاح و حذف شدند.

مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با بد تنظیمی هیجانی در جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
ظرفیت تأملی مادر	بد تنظیمی هیجانی	-۱/۵۰	۱/۰۳	-۱/۴۶	۰/۱۴۳
ظرفیت تأملی پدر	بد تنظیمی هیجانی	۰/۷۷	۱/۳۴	۰/۵۷	۰/۵۶۴
توانایی ذهنی سازی نوجوان	بد تنظیمی هیجانی	-۷/۹۳	۰/۹۲	-۸/۵۹	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
ظرفیت تأملی مادر	توانایی ذهنی سازی نوجوان	۰/۴۴	۰/۰۷	۶/۱۴	۰/۰۰۱
ظرفیت تأملی پدر	توانایی ذهنی سازی نوجوان	۰/۳۲	۰/۱۰	۳/۱۸	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای غیرمستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند.

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	شاخص‌های برازش	
	مقدار	حد مجاز
$\frac{\chi 2}{df}$	۱/۱۰	کمتر از ۵
RMSEA[1] (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	۰/۰۲۳	کمتر ۰/۰۸
GFI[2] (شاخص نیکویی برازش)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
AGFI[3] (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
CFI[4] (شاخص برازش تطبیقی)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
NFI[5] (شاخص برازش نرم شده)	۰/۹۸	بالاتر از ۰/۹

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۲ و ۳ ظرفیت تأملی مادر و پدر فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق توانایی ذهنی سازی نوجوان به طور معناداری توانستند بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

1 Root Mean Square Error Approximation
2 Goodness of Fit Index
3 Adjusted Goodness of Fit Index
4 Comparative Fit Index
5 Normed Fit Index

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه ظرفیت تأملی والدین با بد تنظیمی هیجانی نوجوانان: نقش میانجی توانایی ذهنی سازی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که ظرفیت تأملی مادر و پدر به صورت غیرمستقیم و از طریق توانایی ذهنی سازی توانستند بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان را پیش‌بینی کنند. نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش‌های شولتیس و همکاران (۲۰۱۹)، لویتن و همکاران (۲۰۱۷)، اسماعیلی نسب و حاجی هاشمی ورنوسفادرانی (۱۴۰۰) و سید موسوی و نقاش (۱۳۹۹)، بشرپور و عینی (۱۳۹۹) بود. شولتیس و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود از رابطه بین جنبه‌های مختلف تنظیم هیجان و ظرفیت تأملی مادر پشتیبانی می‌کنند و نشان می‌دهند که تنظیم هیجان باید در کار تجربی و مداخله‌ای که ذهنیت مادر را هدف می‌گیرد، ادغام شود. همچنین لویتن و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کنش تأملی والدینی نقش مهمی در ایجاد ظرفیت کودک برای کنش تأملی دارد و تصور می‌شود به نوبه خود با رشد نظم جویی هیجانی و مهار دشوار، منجر به ایجاد حس استقلال عمل و قدرت و ظرفیت ایجاد روابط با دلبستگی ایمن می‌شود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت والدگری تأملی به معنی ظرفیت والدین یا مراقبان، در تجسم کودک، به عنوان موجودی است که توسط حالت‌های درونی و وضعیت روانی‌اش مانند احساسات، آرزوها و تمایلات برانگیخته می‌شود. این امر مستلزم آن است که والدین یا مراقبان ظرفیت دیدن تجارب درونی خودشان را نیز داشته باشند و بدانند که چگونه وضعیت روانی آن‌ها در خلال ارتباط با کودک شکل گرفته است. ظرفیت ذهنی سازی در سنین ۴ الی ۵ سال اول زندگی ایجاد شده و در بستر ایمن همراه با روابط اولیه رشد پیدا می‌کند. ذهنی سازی در وهله اول توسط والدی که خود دارای ظرفیت ذهنی سازی است و توانایی این را دارد که از طریق به ذهن آوردن دنیای درون روانی خود و فرزندش و درک هیجانات در نوزاد و نام‌گذاری درست این هیجانات، فرایند انعکاس هیجانی درستی برای نوزاد خود فراهم کند تا از این طریق بازنمایی‌های ذهنی ثانویه در سطوح بالاتر در نوزاد رشد کند که این رشد می‌تواند اساس و زیربنایی برای رشد ذهنی سازی در کودک گردد، پس در نتیجه توانایی ذهنی سازی والد و ایمنی دلبستگی دو پیش‌بین اصلی در تحول ظرفیت ذهنی سازی هستند. توانایی ذهن سازی در بافت روابط دلبستگی رشد می‌کند که در این بین، ظرفیت کارکرد تأملی والدینی به‌ویژه در مراحل اولیه رشد، نقش مهمی در بروز این توانایی ایفا می‌کند (انسینک و مایس، ۲۰۱۰). والدینی که در کارکرد تأملی ضعف دارند نسبت به افکار و احساسات خود و کودکانشان ناآگاه هستند و تجارب هیجانی مرتبط با والدگری را انکار می‌کنند. در مقابل کارکرد تأملی بالای والدین آگاهی آنان را از هیجانات خود و دیگران بالا می‌برد به طوری که متوجه چگونگی وضعیت ذهنی و تأثیر آن بر رفتار می‌شوند (اسلید، ۲۰۰۵). به علاوه والدین با کارکرد بالای تأملی قادر خواهند بود نسبت به فرزندانشان حساس، پاسخگو و در امر والدگری مقتدر باشند . این مهارت در پس هر رفتار کودک علتی را جستجو می‌کند که بر خواسته از دنیای ذهنی مختص به کودک است (کوپر و ردفرن، ۲۰۱۶). والدگری تأملی باعث پرورش کودکانی شاد، با اعتماد به نفس، موفق و منعطف است که نه تنها قادر به درک افکار خود هستند بلکه نسبت به افکار و تفکرات دیگران نیز حساس و پاسخ‌گو هستند. هم‌چنین والدین نیز در سایه این مهارت‌ها و با این دانش که کودکان تفکری مجزای از والدین دارند به استقلال فکری آن‌ها احترام می‌گذارند و تنها بر رفتار کودک متمرکز نمی‌شوند بلکه به دنیای ذهنی کودک نیز تمرکز می‌کنند در نتیجه والدین احساس موفقیت بیشتری در مهارت تربیت کودک در خود احساس می‌کنند و تعاملات مثبتی را در جریان رشد کودک تجربه خواهند کرد (کوپر و ردفرن، ۲۰۱۵). والدین با ارائه تجربه هیجانی کودک در قالب یک انعکاس به کودک احساس امنیت و اعتبار می‌بخشد (اسلید و همکاران، ۲۰۰۵)؛ بنابراین پس از رسیدن به سن نوجوانی این اثرات مثبت می‌تواند نقش خود را در فرد نشان دهند.

با در نظر گرفتن این نکته که کنش تأملی والدین و ایمنی دلبستگی دو پیش‌بین مهم و ضروری در راستای تنظیم هیجان هستند، در نتیجه می‌توان بیان کرد که ظرفیت نوجوان برای آگاه شدن از وضعیت ذهنی خود و دیگران وابسته به نیروی ظرفیت تأملی والدین به عنوان مراقب اصلی نوجوان است. علاوه بر این پژوهش فوناگی و تارگت در سال ۲۰۰۶، پاسخ انعکاسی ناکارآمد مادر می‌تواند آسیب جدی از طریق ایجاد تغییراتی در مناطقی از مغز که علی‌الخصوص قسمت کورتکس پیشانی و لیمبیک که نواحی کنترل شناختی و هیجانی هستند، در کنترل تنظیم هیجانات وارد کند و این نقص در کنترل مسئول ایجاد اختلالات روانی مانند اختلال شخصیت مرزی که از کژ تنظیمی هیجان و تکانش گری رنج می‌برد باشد؛ بنابراین از آنجا که توانایی ذهنی سازی و ظرفیت تأملی جزء کلیدی نظام‌های تنظیمی همچون نظام تنظیم هیجان است، فردی که دارای توانایی در زمینه ذهنی سازی است درواقع دارای بازنمایی‌های ذهنی سطوح بالاتر و فهم دنیای درون روانی خود و دیگران است که به‌تبع این موضوع قادر به فهم هیجانات خود و دیگری خواهد بود و در مواجهه با هیجانات منفی و تحمل‌ناپذیر استراتژی سازگارانه و به دور از تکانش گری و رفتارهای خود تخریبی خواهد داشت و در مجموع به دلیل داشتن والد

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

ایمن و به حد کافی خوب که موجبات بازنمایی‌های درونی که به مثابه فیلترهای ذهنی در رویارویی با هیجانات عمل می‌کند این نوجوان در اجتماع و روابط عاطفی از ساز و کارهای غنی و رسش یافته و انطباقی در تنظیم هیجان استفاده خواهد کرد.

به طور خلاصه نتایج این پژوهش نشان داد که مدل مفهومی ظرفیت تأملی والدین با نقش میانجی توانایی ذهنی سازی با بد تنظیمی هیجان نوجوانان از برازش مطلوبی برخوردار است. داشتن توانایی و مهارت تنظیم هیجان در دوران نوجوانی و بزرگسالی یکی فاکتورهای محافظتی در برابر بروز انواع اختلالات شخصیت و روانی و همچنین متضمن داشتن عملکرد اجتماعی مطلوب در سطح خانواده و جامعه است. از آنجایی که نظم جویی هیجان نقشی محوری در تحول بهنجار داشته و ضعف در آن، عاملی مهم در ایجاد اختلال‌های روانی به شمار می‌رود، نظریه‌پردازان بر این باورند، افرادی که قادر به مدیریت صحیح هیجاناتشان در برابر رویدادهای روزمره نیستند، بیشتر نشانه‌های تشخیصی و اختلال‌های درونی سازی از قبیل افسردگی و اضطراب را نشان می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت، نظم دهی هیجان عاملی کلیدی و تعیین‌کننده در بهزیستی روانی و کارکرد اثربخش است که در سازگاری با رویدادهای تنیدگی‌زای زندگی نقش اساسی ایفا می‌کند. تنظیم هیجان به مدیریت یا تنظیم عواطف و هیجان‌ها کمک می‌کند و به افراد توان سازگاری بیشتر به‌خصوص بعد از تجارب هیجانی منفی را می‌دهد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تبع از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و از آنجا که این پژوهش در یک گروه خاص انجام شده است، در تعمیم‌یافته‌ها به سایر جوامع آماری دیگر باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان را کاهش دهند، توجه نمود.

منابع

اسماعیلی نسب، م و حاجی هاشمی ورنوسفادرانی، ش. (۱۴۰۰). ذهنی سازی والدینی و تنظیم هیجان: اعتبار یابی و پایایی سنجی نسخه فارسی پرسشنامه کنش وری بازتابی والدین. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۳(۱)، ۸۹-۱۰۰. 10.22075/JCP.2021.21795.2008

بشرپور، س و عینی، س. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر ذهنی سازی بر میزان بد تنظیمی هیجانی و تکانش گری جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه. *مجله علوم اعصاب شفای خاتم*، ۸ (۳)، ۱۹-۱۰. http://dx.doi.org/10.29252/shefa.8.3.10

سیدموسوی، پ و نقاش، ف. (۱۳۹۹). کنش تأملی والدینی: معرفی روی‌آورد مبتنی بر ذهنی‌سازی در والدگری (قسمت اول). *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۷(۶۵)، ۱۰۵-۱۰۹. http://jip.azad.ac.ir/article_679261.html

شیبانی، ح؛ میکاییلی، ن و نریمانی، م. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی درمان شناختی-رفتاری و آموزش تنظیم هیجان بر تحریک پذیری، افسردگی، اضطراب، استرس و تنظیم هیجانی نوجوانان دارای اختلال بد تنظیمی خلق مخرب. *روان شناسی بالینی*، ۱۲(۲)، ۴۱-۵۰. https://dx.doi.org/10.22075/jcp.2020.19250.1778

عینی، س؛ نریمانی، م؛ عطادخت، ا؛ بشرپور، س و صادقی موحد، ف. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر ذهنی سازی و درمان شناختی- تحلیلی بر بهبود روابط موضوعی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *پایش*، ۱۷ (۳)، ۲۷۵-۲۸۷. http://dorl.net/dor/20.1001.1.16807626.1397.17.3.7.5

کریمی، ف؛ فرحبخش، ک؛ سلیمی بجستانی، ح و معتمدی، ع. (۱۳۹۷). رابطه بین ذهنی سازی با اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی در دختران نوجوان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶ (۴)، ۵۴۸-۵۳۹. http://dx.doi.org/10.52547/rbs.16.4.539

نیّری، ا؛ نورانی پور، ر و نوابی نژاد، ش (۱۴۰۰). اثربخشی گروه درمانی روان نمایشگری شناختی رفتاری (CBPGT) بر کاهش مشکلات بین فردی و دشواری تنظیم هیجان زنان مطلقه. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۲۰ (۹۹)، ۴۳۸-۴۲۷. http://psychologicalscience.ir/article-1-953-fa.html

مام شریفی، پ؛ سهرابی، ف و برجعلی، ا. (۱۴۰۰). نقش واسطه ای راهبردهای مقابله ای در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده و آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۵ (۵۹)، ۳۱۱-۳۳۴. http://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.59.311

موسوی، و و بهرامی احسان، ه. (۱۳۹۹). مطالعه مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ظرفیت تأملی والدینی بر روی یک نمونه ایرانی. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۱(۳)، ۵۵-۶۸. https://dx.doi.org/10.22059/japr.2020.297614.643446

Beauchaine, T. P., & Cicchetti, D. (2019). Emotion dysregulation and emerging psychopathology: A transdiagnostic, transdisciplinary perspective. *Development and psychopathology*, 31(3), 799-804. https://doi.org/10.1017/s0954579419000671

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

Beck, E., Bo, S., Jørgensen, M. S., Gondan, M., Poulsen, S., Storebø, O. J., ... & Simonsen, E. (2020). Mentalization-based treatment in groups for adolescents with borderline personality disorder: a randomized controlled trial. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, *61*(5), 594-604. https://doi.org/10.1111/jcpp.13152

Carvalho, C., Rovinski, S. L. R., Fiorini, G. P., & Ramires, V. R. R. (2020). Changes in mentalization ability in child psychodynamic psychotherapy. *Psicologia Clínica*, *32*(1), 35-57. https://psycnet.apa.org/record/2020-36016-002

Chapman, A. L. (2019). Borderline personality disorder and emotion dysregulation. *Development and Psychopathology*, *31*(3), 1143-1156. https://doi.org/10.1017/s0954579419000658

Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2020.08.020

Cooper, A., & Redfern, S. (2015). *Reflective parenting: A guide to understanding what's going on in your child's mind*. Routledge.

Ensink, K., & Mayes, L. C. (2010). The development of mentalization in children from a theory of mind perspective. *Psychoanalytic Inquiry*, 30, 301-337. https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/07351690903206504

Fonagy, P., & Target, M. (2006). The mentalization-focused approach to self-pathology. *Journal of personality disorders*, *20*(6), 544-576. https://doi.org/10.1521/pedi.2006.20.6.544

Fonagy, P., Luyten, P., Moulton-Perkins, A., Lee, Y. W., Warren, F., Howard, S., ... & Lowyck, B. (2016). Development and validation of a self-report measure of mentalizing: The reflective functioning questionnaire. *PLoS One*, *11*(7), e0158678. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0158678

Giromini, L., Velotti, P., De Campora, G., Bonalume, L., & Cesare Zavattini, G. (2012). Cultural adaptation of the difficulties in emotion regulation scale: Reliability and validity of an Italian version. *Journal of clinical psychology*, *68*(9), 989-1007. https://doi.org/10.1002/jclp.21876

Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation development, factor structure and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*. 26(1), 41-54. https://doi.org/10.1023/B:JOBA.0000007455.08539.94

Ha, C., Sharp, C., Ensink, K., Fonagy, P., & Cirino, P. (2013). The measurement of reflective function in adolescents with and without borderline traits. *Journal of adolescence*, *36*(6), 1215–1223. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.09.008

Harley, J. M., Pekrun, R., Taxer, J. L., & Gross, J. J. (2019). Emotion regulation in achievement situations: An integrated model. *Educational Psychologist*, *54*(2), 106-126. https://doi.org/10.1080/00461520.2019.1587297

Hatkevich, C., Penner, F., & Sharp, C. (2019). Difficulties in emotion regulation and suicide ideation and attempt in adolescent inpatients. *Psychiatry research*, *271*, 230-238. https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.11.038

Hünefeldt, T., Laghi, F., Ortu, F., & Belardinelli, M. O. (2013). The relationship between 'theory of mind'and attachment-related anxiety and avoidance in Italian adolescents. *Journal of adolescence*, *36*(3), 613-621. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.03.012

Keijsers, L., & van Roekel, E. (2018). Longitudinal methods in adolescent psychology: Where could we go from here? And should we. *Reframing Adolescent Research. London & New York: Routledge*.

Køster, A. (2017). Mentalization, embodiment, and narrative: critical comments on the social ontology of mentalization theory. *Theory & Psychology*, *27*(4), 458-476. https://doi.org/10.1177%2F0959354317711031

Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PloS one*, 12(5), e0176218.

Palmer, C. A., Oosterhoff, B., Bower, J. L., Kaplow, J. B., & Alfano, C. A. (2018). Associations among adolescent sleep problems, emotion regulation, and affective disorders: Findings from a nationally representative sample. *Journal of Psychiatric Research*, *96*, 1-8. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0176218

Pazzagli, C., Delvecchio, E., Raspa, V., Mazzeschi, C., & Luyten, P. (2018). The parental reflective functioning questionnaire in mothers and fathers of school-aged children. *Journal of Child and Family Studies*, 27(1), 80-90. https://doi.org/10.1007/s10826-017-0856-8

Penner, F., Gambin, M., & Sharp, C. (2019). Childhood maltreatment and identity diffusion among inpatient adolescents: the role of reflective function. *Journal of adolescence*, *76*, 65-74. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2019.08.002

Peters, M. (2021). Trauma and mentalization ability in older patients: An empirical contribution to the effect of trauma in old age. GeroPsych: *The Journal of Gerontopsychology and Geriatric Psychiatry*. https://psycnet.apa.org/doi/10.1024/1662-9647/a000267

Schultheis, A. M., Mayes, L. C., & Rutherford, H. J. (2019). Associations between emotion regulation and parental reflective functioning. *Journal of child and family studies*, 28(4), 1094-1104. https://doi.org/10.1007/s10826-018- 01326-z

Seyed Mousavi, P. S., Vahidi, E., Ghanbari, S., Khoshroo, S., & Sakkaki, S. Z. (2021). Reflective Functioning Questionnaire (RFQ): Psychometric Properties of the Persian Translation and Exploration of Its Mediating Role in the Relationship between Attachments to Parents and Internalizing and Externalizing Problems in Adolescents. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*, 1-18. https://doi.org/10.1080/15289168.2021.1945721

Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & human development*, 7(3), 269-281. https://doi.org/10.1080/14616730500245906

Sohrabi, F., Mamsharifi, P., Rafezi, Z., & A'azami, Y. (2019). Predicting Addiction Potential based on Mental Health, Social Support and Neuroticism and Agreeableness Personality Traits. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 6 (6), 57-66. http://dx.doi.org/10.21859/ijpn-06067

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]

Strawson, G. (2010). *Mental reality*. mit Press.

Takjoo, J., MehradSadr, M., Mamsharifi, P., Rafezi, Z., & Ahmadabad, Z. D. (2018). The Relationship of Cognitive Emotion Regulation and Integrative Self-knowledge with Conformity. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, *5*(4), 36-44. https://doi.org/10.22037/ijabs.v5i4.24304

Thompson, R. A. (2019). Emotion dysregulation: A theme in search of definition. *Development and psychopathology*, *31*(3), 805-815. https://doi.org/10.1017/s0954579419000282

Thoms, B. (2011). A dynamic social feedback system to support learning and social interaction in higher education. *IEEE Transactions on Learning Technologies*, *4*(4), 340-352. https://doi.ieeecomputersociety.org/10.1109/TLT.2011.9

Wikle, J. S., & Hoagland, A. (2020). Adolescent interactions with family and emotions during interactions: Variation by family structure. *Journal of Family Psychology*, *34*(5), 544. https://doi.org/10.1037/fam0000625

Young, K. S., Sandman, C. F., & Craske, M. G. (2019). Positive and negative emotion regulation in adolescence: links to anxiety and depression. *Brain sciences*, *9*(4), 76. https://doi.org/10.3390/brainsci9040076

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4]